

درباره کوچه ته‌پل محله۵ و وجه تسمیه نامش در خاطرات قدیمی‌ها

حمام برق؛ یادگار نخستین روشنایی‌های شهری

رضا سلیمان‌نوری | اسامی‌ای مانند فلکه برق، کوچه چراغ‌برق، کوچه چهنو، میدان ضد و... حاصل دوران توسعه و تحول شهری مشهد هستند. کوچه حمام برق یکی دیگر از این نام‌گذاری‌های حاصل از ورود فناوری‌های نوین به مشهد است که می‌توان نشان آن را در دوره قاجار دید. نشان کوچه‌ای که نخست به دلیل سکونت مؤیدالدوله در آن، به این نام خوانده می‌شد، اما بعدها با ورود برق به مشهد، نامش هم مانند روزگارش تغییر کرد. سطرهای بعدی روایت این نام و تغییر روزگار در این کوچه است.



عکس: حواد کوهلی / شهر آر

نام قدیمی کوچه

مؤیدالدوله (از بزرگان شهر و آستان قدس در دوران ناصرالدین‌شاه بوده است)

وجه تسمیه نام کوچه

به‌دلیل وجود نخستین گرمابه‌ای که در مشهد برق‌کشی شده بود، به حمام برق معروف می‌شود

نام‌های بعدی کوچه

حمام برق و شهید آستانه‌پرست ۱۱

بزرگان و نامداران کوچه

خاندان‌های قوام‌شهبذی، سبنایی، وظیفه‌دان، زرعی، حاج‌جواد توکلی‌یزدی، بوستانی، باقری، دنگوبان و حجت‌الاسلام‌والمسلمین مهرورز

بنای ثبت‌ملی شده

خانه تاریخی زرعی

کوچه مؤیدالدوله در عهد قاجار

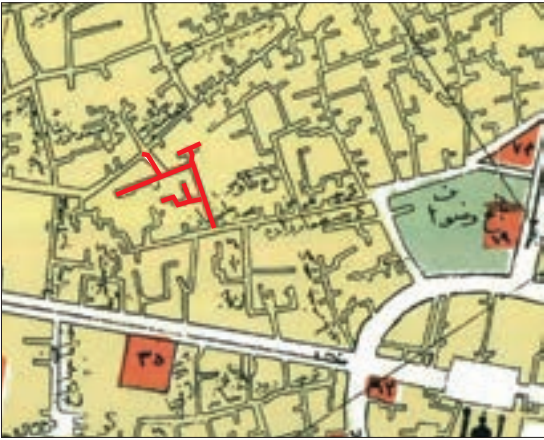
کوچه حمام برق که اکنون بر تابلوورودی آن نام شهید آستانه‌پرست ۱۱ هم ثبت شده است، از کوچه‌های قدیمی مشهد محسوب می‌شود. دلیل این مدعاهم وجود نشان آن در نخستین نقشه‌های ترسیم‌شده‌از مشهد است. براساس آنچه جولییس دالمج در سال ۱۲۴۸ خورشیدی ترسیم کرده، این کوچه در روزگار قاجار نیز مانند اکنون، مسیر ارتباطی دو کوچه حوض محمدعلی خان و کوچه ته‌پل محله بوده است. این کوچه در میانه حکومت قاجارها شامل یک راسته کوچه و دو فرعی (هر دو در جانب غربی) بوده که فرعی نخست بن‌بست و فرعی دوم مسیر رفتن به راسته کوچه ته‌پل محله بوده است. نام این کوچه اما در نقشه قاجاری دالمج، مؤیدالدوله بوده است.

کوچه حمام برق در دوران پهلوی‌ها

کوچه حمام برق یکی از معدود کوچه‌های بافت قدیم شهر مشهد است که با وجود انجام دو طرح نوسازی در دوران حکومت پهلوی‌ها، آسیب چندانی ندیده است. البته این کوچه در نیمه نخست سده چهاردهم خورشیدی شاهد سه تحول بزرگ بوده است؛ نخستین تحول این کوچه پس از تغییر مالکیت حمام مؤیدالدوله رخ می‌دهد. این تغییر مالکیت نه‌تنها باعث ثبت یکی از نخستین‌های شهر مشهد می‌شود که دربی آن نام کوچه هم به نام کنونی‌اش یعنی حمام برق، تغییر می‌کند. ماجر از این قرار است که حاج‌جواد توکلی (از یزدی‌های مهاجر به مشهد)، پس از خریدحمام مؤیدالدوله از ورثه‌وی، در مرحله نخست اقدام به بازسازی و تبدیل آن به دو حمام جداگانه زنانه و مردانه می‌کند. وی سپس ماندگارترین کار زندگی‌اش را انجام می‌دهد و حدود چهل سال بعد از آمدن برق به ایران، حمام را به‌عنوان نخستین حمام عمومی مشهد، برق‌کشی می‌کند. این امر نه‌تنها سبب می‌شود حمام مؤیدالدوله سابق (توکلی جدید) به نخستین حمام برق دار مشهد تبدیل شود، بلکه در بین مردم هم به نام «حمام برق» مشهور و کم‌کم کوچه میزبان آن هم به نام کوچه حمام برق در شهر شناخته می‌شود.

اما تحول مهم دیگر این کوچه باز هم در تغییر وضعیت بخش دیگری از ملک مؤیدالدوله ریشه دارد؛ این خانه‌باغ که پس از مشروطه مالکیتش از خاندان مؤیدالدوله به نایب‌التولیه عرب تغییر کرده بود، سال ۱۳۱۸ خورشیدی بار دیگر تغییر مالکیت می‌دهد و این بار، محمدهاشم پاسبان دولتشاهی،

موقعیت کوچه حمام برق روی نقشه قاجاری دالمج



نمای ورودی داخل کوچه حسینیة حوض محمدعلی خان

رئیس وقت تشریفات آستان قدس رضوی، آن را می‌خرد.

البته مالک جدید قصد استفاده مسکونی از ملکش را نداشته است و پس از ایجاد یک ساختمان جدید در بخشی از باغ، آن را وقف سلسله دراویش نعمت‌اللهی منورعلی شاهی می‌کند. این امر سبب می‌شود دراویش برخی دیگر از خانه‌های کوچه مؤیدالدوله را بخرند و برخی مردم هم این کوچه را به نام کوچه خانقا به یکدیگر معرفی کنند. البته این دوران زیاد طولانی نمی‌شود. زیرا عبدالعظیم ولیان در نیمه دوم دهه ۴۰ قرن ۱۴ خورشیدی، طرح نوسازی‌اش در اطراف حرم‌مظهر را آغاز می‌کند که در جریان این طرح، بسیاری از بناهای اقامتی اطراف حرم تخریب می‌شوند و صاحبان آن‌ها با خرید پلاک‌های مسکونی کوچه حمام برق، این پلاک‌ها را به بناهای اقامتی جدید تبدیل می‌کنند تا جایی که در نیمه دوم قرن چهاردهم هجری، کوچه حمام برق بیش از آنکه ماهیتی مسکونی داشته باشد، یک کوچه اقامتی برای زائران بوده است. البته این تغییر کاربری که در بیشتر موارد با تخریب بناهای گذشته همراه بوده است، با واکنش‌هایی از سوی برخی مالکان قدیمی کوچه روبه‌رو می‌شود. یکی از خانواده‌هایی که برابر اقامتی‌شدن کامل این کوچه مقاومت می‌کند، خانواده زرعی بوده است. خانواده زرعی، ملکشان را که در سال‌های نخست حکومت پهلوی اول توسط حاج‌غلامرضا عری‌رستمی، از باغ‌دارهای بنام مشهد قدیم، ساخته شده بود، به هیچ‌کدام از خریدارانی که قصد تبدیل کردن آن به بنای اقامتی داشتند، واگذار نمی‌کند. این اقدام ارزنده سبب می‌شود که خانه زرعی سال ۱۳۸۲ یعنی دو سال قبل از خانقاہ نعمت‌اللهی در فهرست آثار ملی ایران قرار بگیرد.

کوچه حمام برق و روزگار امروزش

کوچه حمام برق تا آغاز اجرای سومین طرح نوسازی بافت اطراف (در نیمه ابتدایی دهه ۷۰ قرن ۱۴ خورشیدی) ساختار سال‌های پیش از انقلاب خود را حفظ کرده بود، اما پس از آن تغییرات عمده‌ای در آن ایجاد می‌شود. در نتیجه این تغییرات، مکان اتصال آن با راسته کوچه ته‌پل محله یا نوغان ۴ (در این دوره تابلو شهید زافر را هم در برخی نقاط آن نصب کرده بودند) نیز به‌طور کامل تغییر می‌کند. دلیل این تغییر هم قرارگرفتن این بخش از کوچه در مسیر شارستان ته‌پل محله و درنتیجه، حذف آن از روی نقشه بوده است. پس از این تغییر وضعیت، محل اتصال کوچه حمام برق با شارستان ته‌پل محله از انتهای یگانه‌فرعی جنوب شرقی-شمال غربی کوچه به انتهای مسیر اصلی شرقی-غربی کوچه تغییر می‌کند و در ابتدای این مسیر که به‌نوعی انتهای کوچه حمام برق محسوب می‌شود، تابلو ته‌پل محله نصب می‌شود.

امروز اگر در داخل کوچه حمام برق (از سمت کوچه حوض محمدعلی خان) قدم بگذاریم، در پلاک ابتدایی سمت غربی، حسینیة کهن حوض محمدعلی خان قرار دارد که تابلو کوچه حمام برق (آستانه‌پرست ۱۱) هم بر دیوار نصب و یکی از غرفه‌های آن به اتوبوسی تبدیل شده است.

در ادامه، یک اقامتی چند طبقه، این حسینیة را با نخستین فرعی کوچه پیوند می‌دهد. داخل این فرعی بی‌نام، شش بنای اقامتی فعال، یک بنای مسکونی و یک بنای درحال ساخت قرار دارد و در پشتی خانه «دنگوبان» هم که نیمه‌مخروبه است، بدان باز می‌شود. سه بنای اقامتی و شش دربند مغازه نیز حدفاصل این فرعی تا پیچ انتهایی کوچه قرار دارد. پلاک‌های جنوبی کوچه که پس از این پیچ واقع شده‌اند هم شامل دو پلاک اقامتی، یک پلاک مسکونی بازسازی‌شده و دو پلاک تخریب‌شده هستند که این دو قطعه در مواقع لزوم کاربری پارکینگ دارند. اما نخستین پلاک بخش شرقی کوچه به یک مجتمع اقامتی بلندمرتبه اختصاص دارد و پس از آن هم یک منزل مسکونی و دو دربند مغازه واقع شده‌اند که مغازه دوم مقابل فرعی بخش غربی کوچه است. خانقاہ نعمت‌اللهی پلاک بعدی کوچه است و پس از آن یک نانواپی و سپس بنای اقامتی و یک سوپر قرار دارند که همگی در مکان حمام برق سابق احداث شده‌اند.

سپس یک هتل اقامتی بزرگ که سوی دیگر آن در کوچه ضیا واقع شده است دیده می‌شود و پس از آن، ورودی کوچه باریکی است که کوچک‌ترین خانه ثبت‌ملی شده مشهد، یعنی خانه زرعی، در انتهای آن قرار دارد. در فرعی زرعی، سه مجموعه اقامتی و خانه قل‌زده زرعی و یک درخت توت باقی‌مانده از خانه‌ای قدیمی اما تخریب‌شده مشاهده می‌شود. در امتداد این کوچه تا ابتدای شارستان ته‌پل محله نیز یک زمین افتاده با دو درخت توت و پنج پلاک اقامتی قرار گرفته است.

مشهدیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بیشت (نصت مدودوم)

سرگذشت بازار مشهد (بخش دهم)

مرضیه ترابی| صحبت مادر باره سرگذشت بازار مشهد، تا تخریب بزرگ و عوارض مربوط به آن رسید، تخریبی که از زمستان ۱۳۵۳ آغاز شد و سنگین‌ترین آسیب را به هویت تاریخی بازار مشهد وارد کرد، بازاری با قدمت بیش از هزار سال که پس از این تخریب بی‌حساب، دیگر کمر راست نکرد. برخی معتقدند توسعه و تغییر جایگاه بازار قدیم، از نظر اجتماعی و اقتصادی، اجتناب‌ناپذیر بود. این گروه اعتقاد دارند که دیر یا زود، حیات اقتصادی بازار قدیم مشهد به پایان می‌رسید و باید فکری برای این تغییرات می‌شد. این دیدگاه، البته اشتباه نیست و نمی‌توان از مقوله توسعه گریخت، اما مسئله این است که بهای این تغییر و توسعه چه باید باشد و چگونه باید آن را پرداخت کرد؟ آیا ویرانی یک‌باره بازار قدیم مشهد را می‌توان امری ناگزیر در راستای توسعه اقتصادی و شهری مشهد تلقی کرد؟ بحث در این باره هرچند لازم، از حیثه موضوعات مربوط به مشهدیات خارج است، اما اجازه‌ان از شما خوانندگان و همراهان گرامی می‌خواهم که در این باره با دقت بیشتری ببینیدشید.

● گسست پنجم

درباره اینکه باید تغییرات بافت اطراف حرم رضوی را بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با عنوان گسست پنجم بخوانم، تردید دارم. ولیان با تخریب بزرگ، تقریباً چیزی را در اطراف حرم رضوی باقی نگذاشته بود که بتوان از آن به بازار با حتی بافت سنتی تعبیر کرد. به تعبیر زنده‌یاد عزیزا... عطاردی، خراسان‌شناس برجسته معاصر، «کارگران روضه مبارکه رضویه بعد از انقلاب با یک فضای وسیع که شبیه به یک بیابان در اطراف ابنیه‌ها ماکن متبرکه بود، مواجه شدند. آن‌ها تصمیم گرفتند از این میدان و فلکه بزرگ که اکنون در اختیار آستان قدس قرار گرفته باید استفاده کرد و از آن برای آسایش و رفاه زائران بارگاه ملکوتی امام بهره‌برداری کرد.» در واقع آنچه به‌عنوان تخریب و بازسازی اطراف حرم رضوی، در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رقم خورد، دحلی به تخریب بازار بزرگ نداشت و شاید نتوان از آن با عنوان گسست پنجم یاد کرد. فضاهایی که پیش‌تر بخش‌هایی از بازار سنتی مشهد بودند، حالا از بن تخریب و به فضای سبز یا محوطه خاکی تبدیل شده بودند و کار ساخت‌وساز برای توسعه اماکن متبرکه در این فضا ایجاد شد. مثلاً صحن بزرگ جمهوری اسلامی را روی فضایی ساختند که تا پیش از تخریب بزرگ، سرای مشهور وزیرنظام در آن قرار داشت. با بست شیخ بهایی، دقیقاً روی بخشی از راسته بازار سنتی مشهد بنا شد که به بازار زنجیر می‌رسید و روزگاری از حاشیه غربی مسجد گوهرشاد عبور می‌کرد. تمه فضای بازار تا صحن عتیق نیز به بخشی از رواق‌های ضلع غربی روضه منوره تبدیل شد؛ هرچند پیش از آن، تخریب کامل صورت گرفته بود و اگر دو مدرسه «پریزاده» و «دودر» داخل فضای اماکن متبرکه و چسبیده به سازه‌های حرم رضوی قرار نداشتند، چه‌بسا از کلنگ تخریب مصون نمی‌ماندند. تنها خرده‌ای که می‌توان بر این بخش از تاریخ تغییرات در بازار سنتی مشهد گرفت، علامت‌گذاری نکردن مسیرها و اماکن تاریخی از بین‌رفته، به نحو مقتضی است. شاید می‌شد در قالب کاشی‌های زیبا و چشم‌نواز، مکان ساختمان‌های قدیمی را که در تخریب بزرگ از بین رفته بودند، مشخص و سیمای قدیمی حرم‌مظهر و بازار کنار آن را این چنین در ذهن زائران و مجاوران تداعی کرد.

به این ترتیب، بازار سنتی مشهد عملاً به بخشی از بازار فرش و مسافتی از کوچه سرشور محدود شد. بخش مربوط به بازار فرش که در انتهای مسیر به دو اثر بسیار مهم تاریخی حمام مهدی‌قلی بیگ و مسجد ۷۲ تن می‌رسد، همچنان برقرار و درحال مرمت است. به تازگی عملیات مرمت و بازسازی مسیر بازار سرشور در قسمت جنوبی خیابان خسروی نونیز آغاز شده است و امید می‌رود در آینده، هرچند به صورت بسیار محدود، سیمای بازار قدیمی و هزارساله مشهد را تداعی کند.

● تاریخ سیاسی بازار مشهد

حالا که به پایان بحث درباره بازار سنتی مشهد رسیدیم، خوب است نیم‌نگاهی هم به جایگاه سیاسی این مکان تاریخی و پررفت‌وآمد بیندازیم. بازار مشهد مانند دیگر بازارهای ایران، همیشه نبض تپنده بسیاری از جریان‌های سیاسی و اجتماعی در تاریخ معاصر بوده است. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که بازار مشهد در جریان نهضت تنباکو و بعد از آن، در قیام‌های دهه ۱۲۸۰ خورشیدی که نهایتاً به انقلاب مشروطه انجامید، نقش و حضوری فعال داشته و در واقع، منشأ اثر بسیار بوده است. اعتصاب علیه فعالیت کمپانی رژئی با مبدان داری طلاب و علمای مدارس علمیه مشهد، از بازار این شهر شروع شد. در جریان قیام آذر ۱۲۸۲، مشهور به «بلوای نان»، بازار نقطه شروع حرکت بود و به تطیلی آن و ازدحام بازاریان در مسجد گوهرشاد که در مجاورت گذر بازار سنتی مشهد قرار گرفته بود، کار بالا گرفت و به نبردی سنگین با گماشتگان حاکم وقت خراسان انجامید. در جریان قیام مسجد گوهرشاد نیز بازار مشهد نقشی مهم ایفا کرد. بخش زیادی از شرکت‌کنندگان در تحصن، بازاریان بودند و اصولاً ارتباط تنگاتنگ و اتحاد بازاریان و علما، در برابر رویکردهای ضد دینی و ضد ملی‌رضاشاه، یکی از عوامل سازمان دهی چنین تحکراتی بود. در جریان همین قیام، جمعی از بازاریان مشهد با ارسال تلگرافی برای دربار، تقاضای استماع سخنان ایشان... سیدحسین قمی، مرجع دینی وقت مشهد را کرده بودند که به دستور شاه در باغ «سراج‌الملک» شهری زندانی شده بود. این بازاریان با دستور دربار بازداشت شدند و برای مدتی به زندان افتادند. یکی از نکات مهمی که در جریان قیام مسجد گوهرشاد کمتر به آن توجه می‌شود، این است که هجمه به تحصن‌کنندگان از درهای شرقی مسجد و متصل به صحن موزه صورت گرفت و درهای غربی مسجد، همه بسته بودند و تحت کنترل مأموران قرار داشتند. دلیل این اقدام فقط فضای باز صحن و افزایش قدرت مانور مأموران نبود، آن‌ها می‌دانستند که گشودن درهای سمت بازار و هجمه از آن سو، باتوجه به رویکرد بازاریان در حمایت از قیام، می‌تواند بخش مهمی از نقشه عملیات کشتار را خنثی کند. بازار و بازاریان مشهد در جریان نهضت اسلامی و بعد انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) نیز حضوری مستمر و مؤثر داشتند. رویکردهای مذهبی بازاریان، باعث تداوم برگزاری جلسات مذهبی، با حمایت آن‌ها می‌شد و همین مسئله، پایگاه‌هایی مطمئن برای فعالیت‌های مبارزان فراهم می‌کرد که می‌توان آن را در خاطرات برخی بازاریان پیشکسوت و انقلابی مانند زنده‌یاد حاج علی شفقدری به‌عینه مشاهده و مطالعه کرد. بسیاری از جلسات تلاوت قرآن در شهر مشهد و نیز هیئات دیرپای مذهبی این شهر با همت و مساعدت مداوم بازاریان را گرفتند و چنان که در قسمت‌های قبلی هم اشاره کردیم، تیمچه‌ها و سراهای بازار مشهد در ایام عزاداری محرم و صفر، به تکیه و حسینیة تبدیل می‌شدند. جلوه این حمایت چنان بود که عزاداران به‌جای حرکت از مسیر بالاخیابان و پایین خیابان برای رسیدن به صحن عتیق حرم رضوی، راسته بازار سنتی مشهد را برمی‌گزیدند و این، به‌نوعی، حاکی از نقش ویژه بازار در حفظ شعائر مذهبی و حمایت از جریان‌هایی مبتنی بر مذهب در تاریخ شهر مشهد است. این رویکرد در تاریخ بازار مشهد، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با آغاز جنگ تحمیلی، بیش از هر زمانی خودش را نشان داد. بازاریان متدین، نه فقط در تأمین نیازهای اقتصادی جنگ مشارکت فعالی داشتند، بلکه با حضور در جبهه‌ها و مشارکت در نبرد علیه دشمن و ثثار خوشنار، وظیفه ملی و دینی را به نحو احسن به انجام رساندند.

شهر

۳شنبه
۱۸ مهر ۱۴۰۲
۲۳ شهریور ۱۴۰۲

۱۵



تاریخ و هویت

نمای در خانه‌ای در روزگاری خانقاه دراویش بوده است



نمای منزل ثبت ملی شده زرعی

بزرگان کوچه حمام برق

کوچه حمام برق با وجود ساختار نیمه اقامتی‌اش، در سال‌های مختلف پذیرای خاندان‌های شناخته‌شده‌ای بوده است، خاندان «قوام‌شهبذی»، یکی از این خاندان‌ها محسوب می‌شود که اعضای آن در نیمه نخست سده چهاردهم خورشیدی ساکن این کوچه بوده‌اند. همچنین، خاندان‌های «سبنایی» و «وظیفه‌دان» هم از قدیمی‌های کوچه حمام برق محسوب می‌شوند.

دیگر خانواده شناخته‌شده ساکن این کوچه، خاندان زرعی است که پیش‌تر به ثبت منزل مسکونی آنان در این محدوده به‌عنوان یکی از آثار ثبت‌ملی کشور اشاره شد. خانواده، حاج‌جواد توکلی‌یزدی، ساکن بوده‌اند. خانواده «بوستانی»، که پلاک نخست تقاطع این کوچه با کوچه نوغان ۴ را در تملک داشتند و خانواده «باقری»، که ملک قرارگرفته در پیچ اصلی کوچه روبه‌روی حمام برق از آن ایشان بوده است هم از دیگر خانواده‌های شناخته‌شده ساکن این کوچه محسوب می‌شوند. خانواده «دنگوبان» و همچنین «حجت‌الاسلام‌والمسلمین مهرورز، عضو دو دوره شورای اسلامی شهر مشهد هم بیش از ۱۰ سال ساکن این کوچه بوده‌اند.